



---

مؤلفه‌های

ملی‌گرایی

ژاپنی

---

استاد راهنما: دکتر رضا کلاهی

نویسنده: احمد رضا احمدی  
دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات ژاپن  
دانشکده مطالعات جهان  
دانشگاه تهران

---

از سری مقالات دانشجویی / ۶

انتشار در

مرکز مجازی مطالعات ژاپن

[www.japanstudies.ir](http://www.japanstudies.ir)

تماس با ما:

[info@japanstudies.ir](mailto:info@japanstudies.ir)

---

به نام خدا

## مقدمه

ملی‌گرایی و احساسات میهن‌دوستانه از جمله گرایش‌ها و انگاره‌هایی است که از دیرباز با شدت و ضعف گوناگون در کشورها وجود داشته و در برخی برهه‌های زمانی زمینه‌ساز تحولات مهمی بوده است.

برخی صاحب‌نظران با اشاره به زمینه‌های وقوع جنگ جهانی اول، رشد فزاینده احساسات ملی‌گرایانه در دولت-ملت‌های اروپایی را از مهمترین دلایل بروز این رخداد مهم بین‌المللی ابتدای سده گذشته بر می‌شمرند.

ملی‌گرایی ژاپنی مجموعه‌ای از عقاید و احساسات مردم ژاپن در طول دو قرن گذشته نسبت به کشور، فرهنگ و سرنوشت سیاسی و تاریخی خود می‌باشد. ملی‌گرایی ژاپنی خود به دو دسته ناسیونالیسم فرهنگی و ناسیونالیسم سیاسی یا دولت‌گرایی شوا تقسیم می‌شود.

بسیاری از تحلیل‌گران، ریشه ملی‌گرایی معاصر ژاپنی را در تحولات نیمه دوم سده نوزدهم این کشور موسوم به «انقلاب میجی» جستجو کرده‌اند؛ دورانی که به واسطه خروج ژاپنی‌ها از پيله تنگ تنیده شده پیرامون قلمرو جزیره‌ای و جغرافیایی این کشور، دگرگونی‌های ساختاری در ابعاد سیاسی، اجتماعی، اقتصادی - صنعتی و نظامی را به بار آورد. در این تحقیق سعی شده تا با روش مطالعه موردی تحقیق‌یه سوال آن که " مؤلفه‌های ملی‌گرایی ژاپن چیست " به طور دقیق و همه‌جانبه پاسخ داده شود.

**کلمات کلیدی:** ملی‌گرایی، ژاپن، میجی، بوشیدو، شینتویسم ملی، آموزش و ملی‌گرایی، سیاست و ملی

گرایی

## ❖ ملی‌گرایی قبل از جنگ

### دوره میجی؛ آغاز عصر ملی‌گرایی در ژاپن

در دوره میجی ترکیبی از عقاید ملی‌گرایان ژاپنی و غربی به وسیله دولت ژاپن برای توسعه وحدت ملی و میهن پرستی برای دو منظور به خدمت گرفته شد. در ابتدا به منظور مقابله با استعمارگرایی غرب و دفاع سرزمینی استفاده شد، اما در سالیان بعد با هدف بدست آوردن قدرت برابر با دیگر قدرت‌های بزرگ دنیا به کار گرفته شد. انقلاب یا اصلاحات میجی به دلیل شرایط ویژه منطقه ای و بین‌المللی و مسابقه‌های نظامی - تسلیحاتی اواخر سده ۱۹ و اوایل سده بیستم میلادی به رشد نظامی‌گری در ژاپن منتهی شد. به عبارتی، این گونه از ملی‌گرایی هم در دولتهای تایشو و شووا برای توجیه اهداف تمام‌تخواه و نظامی‌گرایی مورد استفاده قرار گرفت و موجب پیدایش نخستین پیامدهای رشد نظامی‌گری در ژاپن، بروز جنگ با چین در سال ۱۸۹۵ (۱۲۷۴ ه.شمسی) و با روسیه در سال ۱۹۰۴ میلادی (۱۲۸۲ ه.شمسی) بود؛ جنگ‌هایی که ریشه بسیاری از اختلاف‌های سرزمینی توکیو با پکن و مسکو در زمان حاضر به شمار می‌رود. بالا گرفتن اختلاف‌های توکیو با قدرت‌های منطقه ای چون آمریکا، اتحاد جماهیر شوروی و چین سبب شد تا ژاپنی‌ها به جنگ جهانی دوم به چشم فرصتی برای دستیابی به منافع و اهداف بین‌المللی خود بنگرند. نتیجه چنین نگرشی ورود ژاپن به این جنگ بزرگ و پس از آن تحمل بمباران هسته ای و در نهایت تسلیم در برابر جبهه متفقین بود.

### پیدایش ملی‌گرایی در ژاپن

در واپسین روزهای حکومت توکوگاوا به دلیل تهدیدات احتمالی نظامی خارجیان به خصوص بعد از ورود ناخدا پری به ژاپن و عقد قرارداد کاناگاوا، خیزش عقاید ملی‌گرایی در ژاپن به اوج خود رسید. بعضی از دایمیو ها نظریه بازگشت به گذشته یا 復古 را مطرح کرده و برخی دیگر نظریه قدرت مطلقه امپراتور را طرح نمودند که این دو خود موجب پیدایش نظریه 尊王攘夷 یا احترام امپراتور و اخراج خارجیان شد. این نظریه یکی از اصلی‌ترین محرک‌ها برای خیزش اصلاحات میجی بود.

### مؤلفه‌های ملی‌گرایی در ژاپن، دوران شوا

مؤلفه‌های ملی‌گرایی در ژاپن عمدتاً از ملی‌گرایی فرهنگی ژاپنی یا Uniqueness of the Japanese People سرچشمه می‌گیرند.

۱- کشور قوی، ارتش قدرتمند

۲- بوشیدو

۳- شینتویسیم ملی

۴- آموزش

## ۱- نظریه کشور ثروتمند، ارتش قدرتمند

اختلاف شدید اقتصادی و نظامی بین ژاپن و قدرت‌های استعماری غرب بهترین علت برای خیزش انقلاب میجی و اندیشه‌های ملی‌گرایانه بود. دولت میجی با اتخاذ یک سری از استراتژی‌های خاص به منظور تحقق اهداف انقلاب میجی که در راس آنها استراتژی کشور ثروتمند، ارتش قوی قرار داشت، سعی کرد تا به عنوان حامی قدرتمند صنعت در عرصه اقتصاد حضوری فعال داشته باشد.

از دیدگاه اندیشمندان و سیاستمداران دوره میجی مانند فوکوزاوا یوکیچی و یا ایتو هیروبومی تنها با اقتصادی قوی ژاپن می‌تواند دارای یک ارتش قدرتمند شود و ترکیبی از این دو می‌تواند ضمانت بازبینی قراردادهای تجاری، سیاسی ناعادلانه‌ای که بر ژاپن تحمیل شده است، باشد.

## ۲- بوشیدو؛ طریقت سامورایی

تفکر بوشیدو در قرن ۱۹ به عنوان تفکر ملی‌گرایی نظامی ژاپن شناخته می‌شود. بوشیدو که به معنی طریقت سامورایی است، مجموعه‌ای از نظرات، عقاید و تفکرات مناسب برای یک سامورایی است که در ۱۱ جلد با عنوان هاگاکوره منتشر شده است.

تفکر بوشیدو که ابداعی ملی‌گرایانه در سال ۱۹۲۰ بود، همانند دست‌آویزی برای افسران نظامی تایشو در خدمت آموزش سربازان و تقویت احساسات ملی‌گرایانه آنان قرار گرفت.

### ۳- شینتویسم ملی

شینتو در میان ادیان جهان از جهت نقشی که در شکل دادن به نظریه سیاسی و ثبات ملی پیروان خود داشته، منحصر به فرد است. بنابر اعتقاد مندرج در کتب مقدس این دین، جزایر ژاپن اولین مخلوق آسمانی است و اولین میکادو یا امپراتور ژاپن نیز اصطلاحاً از نسل الهه خورشید در آسمان بوده که به زمین آمده است. انتقاد به منشأ الهی دولت ژاپن و دوام ابدی سلطنت، توسط دین ملی ژاپنی‌ها بطور ثابتی در اذهانشان نقش بسته است.

شینتوی حکومتی و یا وابسته به معبد در اصل دین نیست، بلکه نوعی تشریفات میهن پرستانه است که تمام مردم ژاپن، بدون در نظر گرفتن دین واقعی خود می‌توانند در ای مراسم شرکت کنند، بدون اینکه در اصل آزادی مذهب را خدشه دار کنند.

بعد از اصلاحات میجی، دولت ژاپن دریافت که تنها در صورتی می‌تواند به مدرن سازی اقتصاد و سیستم سیاسی دست بزند که ملت به سطح خاصی از وحدت ملی و هویت فرهنگی رسیده باشد. در حقیقت شینتویسم ملی به عنوان یک اندیشه ملی‌گرای ژاپنی به گسترش یک هویت فرهنگی خاص می‌پرداخت که عملکرد آن در دوره میجی به عنوان وزنه تعادلی بین اندیشه‌های وارداتی بودیسم، مسیحیت و بقیه اندیشه‌های غربی با شینتویسم شناخته می‌شد.

### ۴- آموزش و پرورش و ملی‌گرایی

اصول آموزش در دوره میجی بر ارزشهای سنتی و ملی و همچنین دین و اخلاق تکیه داشت. با دستور امپراتور در سال ۱۸۹۰ مبنی بر آموزش اجباری، بازگشت به ارزشهای سنتی کنفوسیوس در نظام روابط انسانی طبقه‌ای آن که الویت را با سرزمین نسبت به فرد و در مرحله بعد الویت را با امپراتور نسبت به فرد در نظر می‌گرفت کلید خورد.

این سیاست که اندیشه‌های ملی‌گرایانه باید در کتب درسی دوره میجی گنجانده شود در دوره شوا هم ادامه یافت و به عنوان ابزاری برای نظامی کردن ژاپن و تربیت سربازهای تازه به کار گرفته شد.

در کتب درسی دوره شوا بیشتر به جنبه‌های فرهنگی ناسیونالیسم ژاپن و ضرورت آن در مدیریت سیاسی کشور پرداخته می‌شد.

## ❖ ملی‌گرایی بعد از جنگ

### شینتویسم و ژاپن بعد از جنگ

ناسیونالیسم ژاپنی و شینتو بیرون از سرزمین اصل ژاپن آئین شینتویی به عنوان امری مترادف با ناسیونالیسم افراطی، میلیتاریسم و پرستش امپراتور شناخته می‌شود. بی تردید، در طی قرون و اعصار همواره طرفداران نظامی‌گری و مصادر قدرت، از دین شینتو برای وحدت افکار و تقویت وفاداری مردم ژاپن استفاده کرده‌اند. شاید هم از لحاظ تاریخی وقوع این امر اجتناب‌ناپذیر بوده است.

از ابتدای قرن هفدهم میلادی، ترس از دخالت ملت‌های غربی منجر به سرکوب مسیحیت و دفع خارجی‌ها شد و آیین شینتویی که از جانب ادیان بودایی و کنفوسیوسی به سرکوب و حتی جذب در آنها تهدید شده بود، به سنگر حفظ و استقلال فرهنگ قومی ژاپن تبدیل شد. در نیمه اول قرن نوزدهم، قدرت رو به توسعه غرب امپریالیست، تاریخ طولانی استقلال کشور ژاپن را خدشه دار ساخت.

در این وضعیت کاملاً طبیعی می‌نمود که دین شینتویی، که ارتباط نزدیکی با خاندان سلطنتی داشت، به مبنایی معنوی برای حفظ و استقلال فرهنگ قومی و حفظ کشور از خطر سلطه خارجی تبدیل شود. در نتیجه شینتو خصلتی بغایت ناسیونالیستی و ملی‌گرایانه پیدا کرد.

از همین بابت هم، در خلال جنگ جهانی دوم افکار و اندیشه‌های میهن پرستانه، جنبه مذهبی پیدا کردند اما پس از این جنگ به بازاندیشی درباره ناسیونالیسم تنگ نظرانه قبلی، بیش از پیش توجه شد.

بازدید دو تن از مقامات سیاسی ژاپنی از معبد یاسوکونی در توکیو نه تنها به تنش در روابط این کشور با چین و کره جنوبی دامن زد بلکه باعث رشد دوباره مولفه شینتویسیم ملی شد. بازدید نخست وزیر وقت ژاپن جونیچیرو کییزومی در سال ۲۰۰۱ از این معبد به طرح‌های ملی‌گرایانه ژاپن و قرار دادن این کشور در مسیرهای خاص با اهداف ملی‌گرایانه با هدف ایجاد ملتی واحد مهر تاییدی بر رشد دوباره این مولفه بود.

با اینکه در قانون اساسی ژاپن در ماده‌های ۲۰ و ۸۹ بر جدایی دین و حکومت تاکید شده، اما بازدید شینزو آبه نخست وزیر ژاپن در سال ۲۰۱۳ از این معبد که محل دفن بسیاری از جنایتکاران جنگی ژاپن که در دادگاه جنایات جنگی محکوم شده بودند، باعث تحریک افکار عمومی در جهت بازیابی گونه از ملی‌گرایی در ژاپن که توانایی برگشتن به نظامی‌گری دوره شوارا دارد، می‌شود.

بهره‌گیری حزب لیبرال دموکرات ژاپن از واژه 尊い犠牲 (سزای یا ایثار مقدس برای فداکاری سربازان ژاپنی در جنگ که موجودیت ژاپن امروز مرهون رشادت‌های آنان است).

ارزشمند شمردن مفهوم ایثار مقدس توسط سیاستمداران حزب لیبرال دموکرات معنایی جز تایید جنایت جنگی سربازان در جنگ جهانی دوم و تاکید آن حزب بر گونه از ملی‌گرایی سیاسی برای بازیابی نقش سیاسی ژاپن در منطقه آسیای شرقی را ندارد.

تعبیر این گونه از ملی‌گرایی سیاسی به فداکاری برای کشور و تحمیل آن از جانب حزب لیبرال دموکرات به مردم و تاکید آنها به مشارکت فداکارانه مردم برای حفاظت از منافع ملی ژاپن و پشتیبانی آنان از جنگ به عنوان یک سیاست ملی، تعبیری جز بازگشت به ملی‌گرایی دوران شوا یا فاشیسم ژاپنی را ندارد.

برای دستیابی به این مهم، حمایت مردم از جنگ و فداکاری آنان برای کشورشان باید از سوی رهبران سیاسی به عنوان «ایثار مقدس» مورد تشویق قرار گیرد.

از نقطه نظر حزب لیبرال دموکرات، اگر مردم هنوز در افکاری همچون از دست دادن خانواده، عزیزان و یا دوستانشان در جنگ باشند، نمی‌توانند ایثار و فداکاری آنان را برای ژاپن در جنگ پذیرا باشند.

بنابراین، سیاستمداران این حزب باید بیش از پیش در محافل عمومی بر مفهوم مرگ به عنوان امری مقدس و ارزشمند تاکید کنند و فقط در آن صورت می‌توانند به تحقق هدف بلند مدت خود مبنی بر تغییر اصل ۹ قانون اساسی، که ژاپن را از هرگونه جنگ، نظامی‌گری و یا مداخله نظامی بازمی‌دارد یا ایجاد ارتش حرفه‌ای به جای



ارتش دفاع از خود، و همچنین حفظ پیمان نظامی خود با آمریکا و تقویت پایگاه نظامی آن کشور در جزیره اکیناوا برای مقابله با هرگونه تهدید و یا حمله نظامی احتمالی چین به خاک خود شوند.

بدین ترتیب، ملی‌گرایی ژاپنی بعد از جنگ، جنبه‌ای سیاسی به خود گرفته و همانند دوران شوا ابزاری در دست سیاستمداران برای تحقق اهدافشان مخصوصاً در حوزه توسعه نظامی تبدیل شده است.

همچنین، گرایش طرفدار فراموش کردن گناه‌های دوران جنگ افروزی ژاپن و تغییر دادن سیستم سیاسی کشور به یک نظام خودکامه با محوریت امپراطور، یکی دیگر از اهداف بلند مدت ملی‌گرایی ژاپنی بعد از جنگ می‌باشد.

## نتیجه‌گیری

از دید برخی تحلیلگران، ملی‌گرایی ژاپنی حتی پس از شکست در جنگ جهانی در قالب‌ها و چهره‌هایی غیر از نظامی‌گری بروز و نمود یافت، تا جایی که گفته می‌شود رشد حیرت‌انگیز اقتصادی و صنعتی و دستیابی به موقعیت دومین قدرت اقتصادی جهان، چند دهه پس از بمباران هسته‌ای، بازتابی از تمایلات ملی‌گرایانه و برتری‌جویانه ژاپنی‌ها نسبت به رقبای جهانی بوده است.

در مجموع نیز می‌توان گفت که مولفه‌ها و نشانگان ملی‌گرایی در بین ژاپنی‌ها در مقایسه با برخی ملت‌های دیگر نمود بیشتری دارد. بسیاری از نخبگان سیاسی و شهروندان ژاپنی بر این باورند که بایستی اتباع این کشور با تمام وجود ژاپنی‌بوده و ژاپنی‌بمانند، از اینرو در قوانین این کشور موضوعی چون تابعیت دوگانه در شرایط عادی غیر قابل قبول به شمار می‌رود.

در کنار این اقدام‌ها، تاکید بر گسترش آموزه‌ها و انگاره‌های ملی‌گرایانه در نظام آموزشی ژاپن برای تربیت نسلی با روحیات میهن‌دوستانه از دستورکارهای نرم‌افزاری دولت توکیو بوده است. با توجه به آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد مساله کنترل احساسات و گرایش‌های ملی‌گرایانه در آینده، الزامات خود را بیش از پیش بر مقامات توکیو نمودار ساخته و روند رو به رشد ملی‌گرایی افزون بر شماری مزایا و فرصت‌ها، زمینه‌ساز بروز برخی پیامدهای غیرمطلوب سیاسی و اجتماعی برای رهبران ژاپن خواهد بود.

## References

- Doak, K. M. (۲۰۰۷). A History of Nationalism in Modern Japan. BOSTON: BRILL.
- Iida, Y. (۲۰۰۰). Rethinking Identity in Modern Japan. London: Taylor & Francis.
- Shimazu, N. (۲۰۰۹). Japanese Society at War. London: Cambridge University Press.
- Shimazu, N. (۲۰۰۶). Nationalisms in Japan. London: Routledge.
- Wilson, S. (۲۰۰۲). Nation and Nationalism in Japan. USA: Psychology Press.
- Yoshino, K. (۱۹۹۲). Cultural Nationalism in Contemporary Japan. London: Routledge.